

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله القاصم الجبارين



اندیشکده قرار

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها یکی از اهداف اصلی مقاومت است. فهمیدن این فرصتی که در دل تهدیدها نهفته است، نیاز به مطالعاتی علمی، روش‌مند و در عین حال هدفمند و با دغدغه دارد. مطالعاتی ساختاریافته که به دنبال رسیدن به هدفی مشخص در میدان باشد، از پرداختن بیش از اندازه به کلیات و تحلیل‌های بدون مستندات دقیق اجتناب کند، محدودیت‌های میدانی را بشناسد و از اطنا ب آکادمیک اجتناب کند. اندیشکده قرار تلاش دارد این نیاز حیاتی جبهه مقاومت را برطرف سازد و به محلی برای همگرایی مطالعات ساختاریافته و هدفمند در زمینه مقاومت و استعمار در منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

روابط مراکش و رژیم صهیونیستی در نظم امنیتی نوظهور شمال آفریقا عادی سازی مشروط و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن

چکیده

عادی سازی روابط مراکش و اسرائیل در دسامبر ۲۰۲۰ را باید بیش از آنکه در چارچوب «صلح عربی- اسرائیلی» تحلیل کرد در قالب یک معامله ژئوپلیتیکی سه جانبه میان رباط، تل آویو و واشنگتن فهمید. در ازای عادی سازی روابط، ایالات متحده حاکمیت مراکش بر صحرای غربی را به رسمیت شناخت؛ امتیازی که برای امنیت ملی و مشروعیت بین المللی مراکش اهمیت راهبردی دارد. پنج سال پس از این توافق، همکاری ها به ویژه در حوزه نظامی- امنیتی به طور محسوسی تعمیق شده و اسرائیل برای نخستین بار به صورت پایدار وارد ساختار دفاعی شمال آفریقا شده است. با این حال، افکار عمومی مراکش همچنان به شدت حامی فلسطین است و جنگ غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵) نشان داد که عادی سازی در سطح اجتماعی تثبیت نشده است. بررسی ها نشان می دهند رابطه مراکش با رژیم صهیونیستی بیش از آنکه یک «صلح اجتماعی» باشد، یک «پیمان منافع دولتی مبتنی بر موازنه تهدید» است؛ پیمانی که پیامدهای آن برای موازنه قدرت در مغرب عربی، حضور رژیم صهیونیستی در آفریقا و نیز معادلات پیرامونی جمهوری اسلامی ایران قابل توجه است.

جایگاه جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی مراکش

مراکش در منتهی الیه شمال غربی قاره آفریقا واقع شده و به واسطه اشراف همزمان بر اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه، یکی از نقاط راهبردی پیونددهنده آفریقا، اروپا و جهان عرب محسوب می شود. تنگه جبل الطارق که مراکش را از اسپانیا جدا می کند، یکی از گلوگاه های حیاتی تجارت جهانی است. این موقعیت جغرافیایی، مراکش را به بازیگری مهم در معادلات امنیت دریایی، مهاجرت، انرژی و تجارت تبدیل کرده است. [۲]

از نظر ساختار سیاسی، مراکش یک نظام سلطنتی مشروطه با اختیارات گسترده پادشاه است. محمد ششم که از سال ۱۹۹۹ سلطنت را در دست دارد علاوه بر ریاست دولت عالی، فرمانده کل نیروهای مسلح و مرجع عالی دینی کشور نیز محسوب می شود. نهاد سلطنت در این کشور نه تنها یک جایگاه سیاسی بلکه ستون هویت ملی و مشروعیت تاریخی دولت به شمار می آید. در کنار این نهاد، دو مجلس قانونگذاری فعالیت می کنند: مجلس نمایندگان که با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و مجلس علیا که از طریق هیئت های انتخاب کننده برگزیده می گردد. [۳]

در سطح اجتماعی، جامعه مراکش ترکیبی از اعراب و آمازیغ (بربرها) است و هویت ملی آن آمیزه ای از اسلام سنی مالکی، سنت های بومی آفریقایی و میراث اندلسی است. مراکش همچنین یکی از کهن ترین جوامع یهودی در جهان عرب را در خود جای داده و اگرچه بخش عمده یهودیان مراکش در دهه های پس از تأسیس رژیم صهیونیستی به

فلسطين اشغالی مهاجرت کردند اما میراث یهودی همچنان در ساختار فرهنگی کشور حفظ شده است. حدود ۷۰۰ هزار از اتباع رژیم صیهونیستی، ریشه مراکشی دارند که این مسئله به یک «پل انسانی» میان دو طرف تبدیل شده است. [۱]

در سیاست خارجی، سه محور اصلی برای رباط اهمیت بنیادین دارد:

۱. تثبیت حاکمیت بر صحرای غربی؛
 ۲. مدیریت تنش با الجزایر؛
 ۳. حفظ رابطه راهبردی با ایالات متحده و اروپا.
- در این چارچوب، عادی‌سازی روابط با اسرائیل را باید در پیوند با این سه اولویت تحلیل کرد.

پیشینه تاریخی و محدودیت‌های ساختاری

روابط مراکش و رژیم صیهونیستی سابقه‌ای طولانی و پرفرازونشیب دارد. از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، تماس‌های محرمانه امنیتی و اطلاعاتی میان دو طرف برقرار بود و مراکش در مقاطعی نقش میانجی غیررسمی میان اسرائیل و جهان عرب را ایفا می‌کرد. پس از توافق اسلو، دو کشور در سال ۱۹۹۵ دفاتر ارتباطی رسمی افتتاح کردند؛ اقدامی که در فضای خوش‌بینی آن دوره نسبت به روند صلح فلسطین-اسرائیل قابل فهم بود. اما این روند پایدار نماند و با آغاز انتفاضه دوم (الاقصی) در سال ۲۰۰۰، مراکش در واکنش به تحولات فلسطین روابط رسمی را تعلیق کرد. این تصمیم بازتاب‌دهنده جایگاه ویژه مسئله فلسطین در سیاست خارجی و افکار عمومی مراکش بود. پادشاه مراکش هم‌زمان ریاست «کمیته قدس» وابسته به سازمان همکاری اسلامی را نیز بر عهده دارد و رباط همواره خود را مدافع نمادین آرمان فلسطین معرفی کرده است. از این منظر عادی‌سازی صرفاً یک تصمیم دیپلماتیک نبود، بلکه شکافی بالقوه میان سیاست رسمی دولت و حساسیت‌های اجتماعی و ایدئولوژیک جامعه ایجاد کرد. از این رو، روند عادی‌سازی در مراکش با رویکردی محتاطانه و سنجیده در سطح سیاسی پیگیری شده و تاکنون به ارتقای روابط به سطح سفارتخانه‌ای نینجامیده است. [۴]

منطق توافق سه‌جانبه ۲۰۲۰

در دسامبر ۲۰۲۰، مراکش در چارچوب روندی که به «توافق نامه ابراهیم» شهرت یافت، روابط خود را با اسرائیل عادی کرد؛ توافقی که با میانجی‌گری مستقیم ایالات متحده شکل گرفت اما از جهات مهمی با سایر توافقات مشابه تفاوت داشت. برخلاف توافقات دوجانبه‌ای که پیش‌تر میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی مانند امارات و بحرین منعقد شده بود، این توافق ماهیتی سه‌جانبه داشت: مراکش در ازای برقراری روابط رسمی با اسرائیل امتیاز راهبردی مهمی دریافت کرد و آن به رسمیت شناخته شدن حاکمیت این کشور بر صحرای غربی از سوی ایالات متحده بود. [۵] این مؤلفه ژئوپلیتیکی عادی‌سازی روابط را از یک تصمیم صرفاً دیپلماتیک فراتر برد و آن را به بخشی از یک معامله بزرگ‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد. بنابراین، توافق ۲۰۲۰ را باید در قالب معادله زیر فهمید:

عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی برای مراکش =

تضمین حمایت آمریکا + تقویت جایگاه مراکش در صحرای غربی + ارتقای توان نظامی در رقابت با الجزایر

با این حال روابط مراکش و اسرائیل از نقطه صفر آغاز نشده است. پیش از سال ۲۰۲۰ نیز کانال‌های ارتباطی غیررسمی و دفاتر رابط میان دو طرف فعال بودند و تماس‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی به صورت محدود جریان داشت. افزون بر این، جامعه بزرگ یهودیان مراکشی تبار در اسرائیل همواره به عنوان یک پل انسانی، فرهنگی و تاریخی میان دو کشور عمل کرده‌اند. همین پیوندهای پیشینی باعث شد عادی‌سازی روابط نه به مثابه گسستی ناگهانی، بلکه به عنوان رسمی‌شدن روابطی دیرپا و نیمه‌پنهان تفسیر شود.

حوزه‌ها و مبادلات کلیدی همکاری (۲۰۲۰-۲۰۲۶)

همکاری‌های مراکش و اسرائیل از تنوع و عمق قابل توجهی برخوردار بوده است که در ذیل به مهم‌ترین مصادیق آن در حوزه‌های مختلف اشاره می‌شود:

همکاری نظامی - امنیتی: هسته سخت رابطه

در پنجمین سالگرد امضای پیمان‌های ابراهیم، روابط مراکش و اسرائیل به مرحله‌ای تازه و بی‌سابقه از همکاری‌های نظامی و امنیتی وارد شده است. اگرچه روند عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده و با مخالفت‌های داخلی قابل توجهی در مراکش مواجه است، اما حوزه نظامی - امنیتی نه تنها از این جو متأثر نشده، بلکه به عمیق‌ترین و راهبردی‌ترین بعد این شراکت تبدیل شده است. آنچه امروز شاهد آن هستیم، فراتر رفتن از خرید ساده تسلیحات و حرکت به سمت انتقال فناوری‌های پیشرفته، تولید مشترک و یکپارچگی عملیاتی است که معادلات امنیتی شمال آفریقا را بازتعریف می‌کند. براساس گزارش‌ها، مجموع خریدهای نظامی مراکش از اسرائیل از زمان عادی‌سازی تاکنون به حدود ۲ میلیارد دلار رسیده و براساس گزارش موسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI)، اکنون حدود ۱۱ درصد از واردات دفاعی مراکش از اسرائیل تأمین می‌شود. در نوامبر ۲۰۲۱، دو کشور نخستین تفاهم‌نامه همکاری نظامی را امضا کردند که در نوع خود میان اسرائیل و یک کشور عربی بی‌سابقه بود. [۶]

قراردادهای کلیدی تسلیحاتی

- مهم‌ترین و راهبردی‌ترین قرارداد، خرید سامانه پدافند هوایی باراک MX به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در فوریه ۲۰۲۲ است. تصاویر ماهواره‌ای منتشر شده در دسامبر ۲۰۲۵، استقرار این سامانه پیشرفته را در پایگاه هوایی سیدی یحیی الغرب در شمال شرق رباط تأیید کرده است. باراک MX با قابلیت استفاده از موشک‌هایی با برد ۳۵، ۷۰ و ۱۵۰ کیلومتر و توانایی رهگیری موشک‌های بالستیک، جهش عظیمی در توان دفاع هوایی مراکش محسوب می‌شود. [۷]

- در مارس ۲۰۲۵، نیروهای مسلح سلطنتی مراکش (FAR) قراردادی به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار برای خرید سیستم موشکی PULS از البیت سیستمز (Elbit Systems) امضا کردند که قابلیت شلیک موشک‌های Extra با برد ۱۵۰ کیلومتر را داراست. آزمایش‌های این سامانه در استان‌های صحرایی مراکش در مارس ۲۰۲۵ انجام شد. [۷]
- در فوریه ۲۰۲۵، شرکت البیت سیستمز (Elbit Systems) برنده رقابت برای تأمین ۳۶ دستگاه هویتزر خودکشی Atmos 2000 (کالیبر ۱۵۵ میلی‌متر) برای نیروهای مسلح مراکش شد. این قرارداد که ارزش آن حدود ۱۷۵ تا ۲۳۰ میلیون دلار برآورد می‌شود پس از نارضایتی رباط از مشکلات فنی سامانه‌های سزار فرانسوی منعقد شد و نشان‌دهنده تغییر مسیر مراکش از تأمین‌کنندگان سنتی اروپایی به سوی صنایع دفاعی اسرائیل است. [۷]
- گزارش‌های ماه می ۲۰۲۵ حاکی از آن است که البیت سیستمز (Elbit Systems) به‌عنوان گزینه اصلی برای تأمین برجک‌های ۱۰۵ و ۱۲۰ میلی‌متری برای خودروهای زرهی چرخ‌دار WhAP 8*8 مراکش انتخاب شده است.
- در مارس ۲۰۲۳، مراکش سامانه پدافندی اسپایدر (Spyder) را از شرکت رافائل خریداری کرده است.
- در نوامبر ۲۰۲۱ نیز قراردادی به ارزش ۲۲ میلیون دلار برای خرید مهمات سرگردان هاروپ (Harop) منعقد شد. [۷]

■ پهبادهای و مهمات سرگردان

- برجسته‌ترین نمود ارتقای همکاری‌های نظامی به سطح انتقال فناوری و تولید مشترک، افتتاح کارخانه تولید پهباد در مراکش است. در نوامبر ۲۰۲۵، شرکت بلوردر ایرو سیستمز (BlueBird Aero Systems) زیرمجموعه صنایع هوافضای اسرائیل (IAI)، کارخانه‌ای برای تولید مهمات سرگردان SpyX در شهر بن‌سلیمان مراکش (نزدیک کازابلانکا) افتتاح کرد. [۸] این پروژه با هدف تقویت استقلال دفاعی مراکش، شامل انتقال فناوری و آموزش مهندسان و تکنسین‌های مراکشی برای مونتاژ و نگهداری این سامانه‌هاست. به گفته منابع محلی این کارخانه بخشی از یک برنامه گسترده‌تر مدرن‌سازی ارتش مراکش است و پیش‌بینی می‌شود تولید سایر سامانه‌های تاکتیکی نیز در آن دنبال شود. [۷]
- در مارس ۲۰۲۴ مهمات سرگردان SpyX¹ توسط ارتش مراکش با موفقیت آزمایش شد. این مهمات قادر به حمل کلاهک ۲.۵ کیلوگرمی با سرعت ۲۵۰ کیلومتر در ساعت و پرواز تا ۹۰ دقیقه است. آزمایش‌های میدانی آن در مناطق جنوبی، از جمله صحرای غربی، گزارش شده است. این اقدام مراکش را به اولین کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا (به جز خود اسرائیل) تبدیل کرد که قادر به تولید این نوع مهمات پیشرفته است. [۷]

¹ SpyX نوعی مهمات سرگردان (Loitering Munition) سبک و قابل حمل است که با ترکیب قابلیت شناسایی و حمله، پس از پرسه‌زنی در منطقه هدف و دریافت تصویر زنده توسط اپراتور، به‌صورت دقیق به هدف برخورد کرده و آن را منهدم می‌کند. این سامانه برای درگیری‌های تاکتیکی علیه اهداف نقطه‌ای مانند نفرات و خودروهای سبک به کار می‌رود.

- در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۱ نیروهای مسلح سلطنتی مراکش سیستم دفاع هوایی ضد پهپاد Skylock Dome را خریداری کردند. این سیستم توسط شرکت اسرائیلی Skylock Systems، زیرمجموعه گروه Avnon، طراحی و توسعه یافته است. [۷]
- در طول سال ۲۰۲۱ نیز مراکش ۱۵۰ مینی پهپاد از نوع (UAS WanderB-VTOL and ThunderB) را از شرکت اسرائیلی بلوبرد ایرو سیستمز (BlueBird Aero Systems) که اکنون زیرمجموعه صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) است خریداری کرد. [۷]
- در ژانویه ۲۰۲۰ نیز پهپادهای هرون (Heron) از مسیر فرانسه به مراکش منتقل شده بودند. [۷]

■ ماهواره جاسوسی: استقلال اطلاعاتی

- در ژوئیه ۲۰۲۴، مراکش قراردادی به ارزش ۱ میلیارد دلار با صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) برای تأمین دو ماهواره جاسوسی از نوع افک ۱۳ (Ofek 13) منعقد کرد. [۷] این قرارداد که تحویل آن تا سال ۲۰۲۹ زمان خواهد برد، یک تغییر راهبردی مهم از تأمین کنندگان سنتی اروپایی مانند ایرباس و تالس به سمت اسرائیل است. ماهواره افک ۱۳ با استفاده از فناوری رادار دهانه ترکیبی (SAR)، قادر به تصویربرداری با دقت ۵۰ سانتی‌متر در هر شرایط آب و هوایی و در طول شبانه‌روز است و با مدارگردی ۹۰ دقیقه‌ای، امکان پایش مستمر مرزها و جمع‌آوری اطلاعات حیاتی را برای رباط فراهم می‌کند. این سامانه به مراکش استقلال بی‌سابقه‌ای در حوزه اطلاعات فضایی می‌بخشد. [۸]

■ همکاری‌های عملیاتی و رزمایش‌ها

- همکاری‌های نظامی فراتر از قراردادهای تسلیحاتی و به حوزه عملیاتی نیز گسترش یافته است.
- در سال ۲۰۲۵، تیپ گولانی ارتش اسرائیل در رزمایش بین‌المللی African lion (شیر آفریقایی) که با رهبری فرماندهی آفریقای ایالات متحده در مراکش برگزار شد، شرکت کرد.
- در نوامبر ۲۰۲۵ نیز نمایندگانی از ارتش مراکش در سمینار بین‌المللی درس‌های آموخته شده از جنگ اخیر که توسط ارتش اسرائیل برگزار شد، حضور یافتند.
- در سال ۲۰۲۳ برنامه‌های آموزشی برای پرسنل نظامی مراکش جهت آشنایی با سامانه باراک MX (سیستم دفاع هوایی) برگزار شد. این دوره‌ها هم در مراکش و هم در اسرائیل برگزار شد.
- در سپتامبر ۲۰۲۲، یک هیأت مراکشی به رهبری بازرس کل نیروهای مسلح سلطنتی در کنفرانس بین‌المللی نظامی در اسرائیل شرکت کرد.
- همچنین مراکش در رزمایش African lion (شیر آفریقایی) ۲۰۲۲ که اسرائیل نیز در آن مشارکت داشت، حضور یافت.
- در ژوئیه ۲۰۲۱، نیروهای ویژه مراکش در یک تمرین بین‌المللی مبارزه با تروریسم در اسرائیل شرکت کردند.

■ همكاري‌هاي امنيتي و سايبري

حوزه امنيت سايبري نيز از همكاري دو كشور جدا نبوده است و همكاري‌هاي فناورانه در فناوري سايبري از حوزه نظامي نيز فراتر رفته و به بخش خصوصي و غيرنظامي نيز كشيده شده است.

- در فوريه ۲۰۲۳، يك مقام ارشد سايبري مراکش در پنلي با حضور همتايان خود از اسرائيل، امارات، بحرين و آمريكا در رويداد بين‌المللي سايبيرتك گلوبال ۲۰۲۳ (Cybertech Global 2023) در تل‌آويو شركت كرد. اين حضور نشان‌دهنده سطح همكاري‌هاي غيرنظامي در حوزه فناوري اطلاعات است. [۷]
- در ژوئيه ۲۰۲۲، توافقنامه همكاري سايبري ميان اداره سايبري ملي اسرائيل و اداره كل امنيت سامانه‌هاي اطلاعاتي مراکش امضا شد اين توافق زمينه را براي همكاري‌هاي فني و تبادل دانش در حوزه امنيت سايبري فراهم كرد.
- علاوه بر اين، شركت‌هاي اسرئيلي مانند سلبرايت (Cellebrite) در حوزه فناوري‌هاي بررسي ديجيتال در مراکش فعال بوده‌اند. اين شركت در سال ۲۰۱۹ در كنگره جهاني امنيت مرزها در كازابلانكا شركت كرد و مقامات آن تأييد كردند كه از فناوري‌هاي سلبرايت (Cellebrite) براي بررسي مهاجران و پناهجو بيان استفاده مي‌شود. هرچند اين کاربرد بيشتر امنيتي است، اما نشان‌دهنده نفوذ فناوري‌هاي اسرئيلي در زيرساخت‌هاي غيرنظامي مراکش نيز هست. [۷]
- تحقيقاتي در ژوئيه ۲۰۲۱ نشان داد كه حداقل ۳۵ روزنامه‌نگار توسط مشتري شركت اسرئيلي NSO كه به نظر مي‌رسد دولت مراکش بوده هدف قرار گرفته‌اند. براساس گزارش‌هاي سازمان عفو بين‌الملل، مقامات مراكشي بين سال‌هاي ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ از نرم‌افزار جاسوسي پگاسوس (Pegasus) ساخت شركت اسرئيلي NSO براي هدف‌گيري غيرقانوني فعالان، مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاراني مانند عمر رادي، معتي منجيب و عبدالصادق البوشتاويي استفاده کرده‌اند. [۹]

■ اقتصاد و فناوري: مكممل امنيت

در حوزه اقتصادي، روابط مراکش و اسرئيل نه تنها مكممل همكاري‌هاي امنيتي، بلكه به‌عنوان ستوني مستقل در حال گسترش است. اين همكاري‌ها عمدتاً حول محور كشاورزي، فناوري آب، تجارت دوجانبه و امنيت سايبري متمرکز شده است.

■ تجارت دوجانبه

- براساس آمار اداره مركزي آمار اسرئيل، تجارت دوجانبه بين دو كشور در نيمه نخست سال ۲۰۲۴ به ۵۳.۲ ميليون دلار رسيد كه نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۴ درصد رشد نشان مي‌دهد. [۱۰] اين رشد سريع در حالي است كه پيش از عادي‌سازي، حجم تجارت ناچيز بود. با اين حال، ساختار تجارت همچنان از الگوي شمال-جنوب پيروي مي‌كند: اسرئيل كالاهاي با ارزش افزوده بالا مانند ماشين‌آلات، تجهيزات الكتريكي،

مواد شیمیایی و ابزارآلات پیشرفته پزشکی صادر می‌کند، در حالی که صادرات مراکش عمدتاً شامل پوشاک، شکر، شیرینی‌جات، میوه و سبزیجات فرآوری‌شده و قطعات خودرو و هواپیماست که اغلب توسط شرکت‌های فرانسوی و آمریکایی مستقر در مناطق صنعتی مراکش تولید می‌شوند. در سال ۲۰۲۴، اسرائیل به ارزش ۱۴۱.۵۵ میلیون دلار کالا از مراکش وارد کرد و در مقابل ۹۵ میلیون دلار به این کشور صادرات داشت. [۱۱]

■ فناوری آب و کشاورزی [۱۱]

پس از عادی‌سازی روابط مراکش و اسرائیل در چارچوب تفاهم‌نامه‌های ابراهیم (۲۰۲۰)، همکاری‌های فناورانه در حوزه کشاورزی و آب با سرعت قابل توجهی گسترش یافته است. تحولات جدید، به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های صندوق سرمایه‌گذاری دانشگاه پلی‌تکنیک محمد ششم (UM6P Ventures) در استارت‌آپ‌های اسرائیلی نیز ابعاد تازه‌ای از این همکاری را آشکار می‌سازد که در ادامه بررسی می‌شود.

- در هفته پایانی فوریه ۲۰۲۵، صندوق سرمایه‌گذاری دانشگاه پلی‌تکنیک محمد ششم (UM6P Ventures) از سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ اسرائیلی Climate Crop خبر داد. این شرکت با استفاده از فناوری ویرایش ژن به دنبال افزایش پتانسیل گیاهان برای جذب انرژی، ذخیره کربن و تولید محصول بیشتر است. هدف اصلی این پروژه، افزایش بهره‌وری محصولات کلیدی مراکش مانند گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی از طریق اصلاح ژنتیکی است. در این پروژه Climate Crop از امکانات پیشرفته تحقیقاتی دانشگاه محمد ششم برای ارتقای فناوری خود از سطح آزمایشگاهی به نمونه اولیه در مقیاس صنعتی بهره خواهد برد. این استارت‌آپ از طریق دانشگاه به اکوسیستم فناوری کشاورزی و غذایی آفریقا و نیز شبکه سرمایه‌گذاران خطرپذیر محلی و بین‌المللی دسترسی پیدا می‌کند و به گفته مدیرعامل Climate Crop، این همکاری به تثبیت جایگاه این شرکت در بازار فناوری ویرایش ژن کمک کرده و تولید غذا و زنجیره تأمین جهانی را متحول خواهد کرد. [۱۲]
- در همان هفته UM6P Ventures در استارت‌آپ اسرائیلی Akorn Technology نیز سرمایه‌گذاری کرد. این شرکت با تولید پوشش‌های خوراکی بر پایه پروتئین گیاهی، ماندگاری محصولات تازه کشاورزی را افزایش می‌دهد. هدف این سرمایه‌گذاری، مقابله با مشکل عظیم ضایعات غذایی است که هزینه سالانه آن حدود ۲.۶ تریلیون دلار برآورد می‌شود. [۱۲]
- در آوریل ۲۰۲۳، ائتلافی از چهار استارت‌آپ فناوری غذایی اسرائیلی به رهبری شرکت سرمایه‌گذاری (Halman-Aldubi Technologies)، پروژه‌ای را در منطقه صحرای مراکش برای توسعه راهکارهای غذایی پایدار آغاز کرده‌اند. این پروژه با همکاری دانشگاه محمد ششم بر تولید خوراک ماهی با پروتئین بالا از پسماندهای آلی شهری، حشرات و جلبک‌ها متمرکز است. شرکت‌های مشارکت‌کننده در این طرح شامل:

– Seakura: فناوری پرورش جلبک و جلبک‌دریایی در خارج از دریا با پروتئین و مواد معدنی بالا.

– Shachar Group: فناوری بازیافت هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی برای جداسازی پسماند آلی.

– FreezeM: استخراج پروتئین از حشرات با تمرکز بر تولید انبوه لارو مگس سرباز سیاه.

– Celitron: تولید پروتئین ۶۵٪ خالص از پسماند آلی هستند.

مراکش قصد دارد تولید سالانه ماهی خوراکی را به ۳۵۰ هزار تن برساند، اما با کمبود خوراک ماهی و مشکلات لجستیکی مواجه است. این پروژه در صدد تولید خوراک ماهی محلی و پایدار برای تأمین پروتئین روزانه ۱۰ میلیون نفر است. رونی هلمن، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری هلمن دوبي، این پروژه را "نخستین فعالیت در صحرای مراکش" خواند که این منطقه را از واردکننده غذا به تولیدکننده پایدار تبدیل می‌کند. [۱۳]

- در مارس ۲۰۲۳، شرکت اسرائیلی نتافیم (Netafim) که تأمین‌کننده جهانی فناوری آبیاری قطره‌ای است، اولین کارخانه خود را در شهر قنيطرة مراکش افتتاح کرد. هدف از این اقدام، "تقویت اجرای موفق آبیاری دقیق در پادشاهی و تقویت بخش کشاورزی" عنوان شده است. ویدئوی تبلیغاتی این شرکت با استقبال گسترده‌ای مواجه شد و کشاورزان محلی در آن از بهبود روش‌های کشت خود با همکاری نتافیم سخن گفتند.

- شرکت مهارین (Mehadrin) که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان مرکبات و آووکادو در سرزمین‌های اشغالی است، از احداث یک مزرعه ۴۵۵ هکتاری آووکادو در مراکش با سرمایه‌گذاری ۸ میلیون دلاری با هدف صادرات خبر داده است.

- در آوریل ۲۰۲۳، وزیر اقتصاد اسرائیل و وزیر صنعت و تجارت مراکش درباره گسترش همکاری‌های کشاورزی از طریق برنامه‌های آموزشی مشترک، تبادلات دانشگاهی و مشارکت‌هایی که دانشگاه‌های مراکش و اسرائیل را به مؤسسات تحقیقات کشاورزی مرتبط می‌کند، گفتگو کردند. پیش از آن، در اکتبر ۲۰۲۲، مؤسسه ملی مهندسی کشاورزی مراکش و مرکز تحقیقات کشاورزی وُلکانی اسرائیل (Israeli Volcani Center for Agricultural Research) توافقنامه‌ای برای تقویت همکاری و تبادل تخصص در زمینه کشاورزی امضا کردند. همچنین شرکت دولتی OCP مراکش (دفتر شریف فسفات) از مشارکت بین دانشگاه بن‌گوریون نگب و دانشگاه پلی‌تکنیک محمد ششم حمایت کرده است. این همکاری شامل ارائه بورس، تبادل اساتید و همکاری در زمینه‌های امنیت غذایی، حفاظت از محیط زیست، کشاورزی هوشمند، مدیریت آب و انرژی تجدیدپذیر است.

همکاری در حوزه فناوری آب و کشاورزی میان مراکش و اسرائیل که پس از امضای تفاهم‌نامه‌های ابراهیم در دسامبر ۲۰۲۰ شتاب گرفته است، در نگاه نخست با هدف مقابله با چالش‌های مشترکی چون خشکسالی، تغییرات اقلیمی و تأمین امنیت غذایی شکل گرفته، اما با نگاهی تحلیلی به ابعاد ساختاری این مشارکت، الگویی آشکار از بهره‌کشی اقتصادی و نفوذ ژئوپلیتیکی نمایان می‌شود که پیامدهای آن فراتر از شعارهای توسعه‌محور است. در شرایطی که مراکش مانند دیگر کشورهای خاورمیانه به شدت از بحران اقلیمی آسیب می‌بیند و خشکسالی‌های پی‌درپی ذخایر آبی آن را به شدت کاهش داده، سرمایه‌گذاری بر کشت محصولات آب‌بری مانند آووکادو توسط شرکت اسرائیلی مهادرین پرسش‌های اساسی ایجاد می‌کند. این پروژه با مصرف سالانه ۲.۵ تا ۴ میلیون مترمکعب آب - معادل مصرف ۱۳۴ روزه شهر کازابلانکا- نه تنها بحران آب را تشدید می‌کند، بلکه اولویت‌دهی به صادرات بر تأمین نیازهای داخلی را آشکار می‌سازد. اذعان صریح مدیرعامل مهادرین به اینکه "قیمت آب در مراکش در مقایسه با اسرائیل ناچیز است" و این مزیت رقابتی اصلی محسوب می‌شود، نشان

می‌دهد که جذابیت مراکش برای سرمایه اسرائیلی نه در ظرفیت‌های فناورانه، بلکه در دسترسی به منابع ارزان و نیروی کار کم‌هزینه است.

الگوی تجاری شکل گرفته میان دو کشور نیز شکاف تاریخی شمال-جنوب را بازتولید می‌کند؛ جایی که اسرائیل کالاهای با فناوری بالا مانند تجهیزات آبیاری، ماشین‌آلات و فناوری‌های پیشرفته ویرایش ژن صادر می‌کند و مراکش عمدتاً محصولات خام یا نیمه‌فرآوری شده با سود کمتر عرضه می‌نماید. سرمایه‌گذاری صندوق UM6P Ventures وابسته به غول فسفات مراکش در استارت‌آپ‌های اسرائیلی نظیر Climate Crop و Akorn Technology اگرچه به عنوان "انتقال فناوری" تبلیغ می‌شود اما در عمل جریان یک‌طرفه دانش و داده را به نفع اسرائیل سازمان‌دهی می‌کند. این شرکت‌ها نه تنها از زیرساخت‌های تحقیقاتی مراکش بهره می‌برند، بلکه به داده‌های دقیق کشاورزی شامل نوع محصولات، روش‌های تولید و نیازهای بومی دسترسی می‌یابند؛ داده‌هایی که به گفته کارشناسانی مانند محمد ناجی، استاد مؤسسه عالی کشاورزی مراکش، یک دارایی راهبردی ملی محسوب می‌شوند و در صورت تغییر روابط سیاسی می‌توانند به ابزاری برای فشار اقتصادی یا جاسوسی صنعتی تبدیل شوند. مدل کاری نتافیم که کشاورزان را ملزم به ارائه اطلاعات دقیق مزارع خود می‌کند، نمونه بارزی از این نگرانی است.

حضور شرکت‌های اسرائیلی در مراکش ابعاد ژئوپلیتیکی مهمی نیز دارد. این شرکت‌ها با برچسب "ساخت مراکش" محصولات خود را به بازارهای اروپایی و آفریقایی صادر می‌کنند و از این راه ضمن بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی و موافقتنامه‌های تجاری مراکش با اتحادیه اروپا، فشارهای بین‌المللی علیه اسرائیل به ویژه در بستر جنگ غزه را کاهش می‌دهند. این استراتژی عملاً جنبش تحریم اسرائیل (BDS) را تضعیف کرده و به مصون‌سازی اقتصادی اسرائیل در برابر تحریم‌ها کمک می‌کند. افزون بر این، تمرکز بر کشاورزی صادراتی و صنعتی، کشاورزی سنتی و خرده‌مالکی را به حاشیه می‌راند و با اولویت‌دهی به صادرات، امنیت غذایی داخلی را قربانی منافع تجاری می‌کند. این روند مراکش را به واردکننده مواد غذایی اساسی تبدیل کرده و وابستگی آن به بازارهای جهانی و فناوری‌های وارداتی را عمیق‌تر می‌سازد، بی‌آنکه مالکیت معنوی یا توان بومی‌سازی این فناوری‌ها برای آن کسب شود.

ابعاد این همکاری به حوزه‌های مورد مناقشه نیز کشیده شده است. حضور شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های مستقر در صحرای مراکش مانند پروژه تولید خوراک ماهی، به‌طور ضمنی به معنای به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر این منطقه مورد مناقشه است؛ منطقه‌ای که جبهه پولیساریو و نهادهای بین‌المللی آن را قلمروی تحت اشغال می‌دانند و بخش بزرگی از ذخایر فسفات مراکش نیز در آن واقع شده است. از زمان به رسمیت شناخته شدن حاکمیت مراکش بر صحرای غربی از سوی ایالات متحده در چارچوب پیمان‌های ابراهیم، شرکت‌های اسرائیلی نیز به این روند مشروعیت‌بخشی بین‌المللی دامن زده‌اند. بدین ترتیب، همکاری کشاورزی و آب میان دو کشور فراتر از چارچوب فنی و اقتصادی، به ابزاری برای تثبیت الگوی نئواستعماری بهره‌کشی از منابع، نفوذ ژئوپلیتیکی در آفریقا و مصون‌سازی اسرائیل در برابر تحریم‌ها تبدیل شده است.

■ فسفات و همکاری‌های صنعتی

فسفات یکی از حوزه‌های کلیدی و راهبردی همکاری میان مراکش و اسرائیل محسوب می‌شود که ابعاد آن فراتر از مبادلات صرفاً اقتصادی و وارد معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گردد. مراکش با در اختیار داشتن بزرگترین ذخایر فسفات جهان، جایگاهی منحصر به فرد در بازار جهانی کودهای شیمیایی دارد. شرکت دولتی شریفین فسفات (OCP) که در سال ۲۰۰۸ به شرکت سهامی تبدیل شد، از طریق شرکت تابعه خود OCP آفریقا، خود را به عنوان توانمندساز کشاورزان آفریقایی با تأمین کود، منابع و آموزش معرفی می‌کند و همزمان نفوذ راهبردی مراکش را در سراسر قاره آفریقا تضمین می‌نماید. این موقعیت، مراکش را به بازیگری محوری در زنجیره تأمین غذای قاره و عرصه رقابت قدرت‌های جهانی - به ویژه میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا از یک سو و چین از سوی دیگر - تبدیل کرده است.

از زمان عادی‌سازی روابط در چارچوب پیمان‌های ابراهیم، همکاری میان OCP و شرکت شیمیایی اسرائیل (ICL) در زمینه ابتکارات تحقیقاتی و پایداری آغاز شده است. برای اسرائیل که کشاورزی آن به شدت به نهاده‌های کودی وابسته است فسفات یک ماده خام حیاتی به شمار می‌رود. با این حال نگاه اسرائیل به این همکاری صرفاً معطوف به تأمین نیازهای داخلی نیست؛ بلکه سیاست‌گذاران اسرائیلی قدرت فسفات مراکش را سکوی پرشی برای گسترش نفوذ در بازارهای آفریقا می‌بینند. مؤسسات سیاست‌پژوهی اسرائیلی آشکارا از این راهبرد پرده برداشته‌اند؛ مقاله‌ای در سال ۲۰۲۲ از مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، روابط دوجانبه با مراکش را به عنوان "دروازه‌ای به آفریقا" معرفی کرد و استدلال نمود که زیرساخت‌ها و پیوندهای منطقه‌ای مراکش می‌تواند به اسرائیل در گسترش به بازارهای آفریقایی، به ویژه در کشورهای که با آنها روابط دیپلماتیک ندارد، کمک کند. گزارشی دیگر در ژانویه ۲۰۲۴ از مؤسسه اورشلیم برای استراتژی و امنیت نیز خواستار تعمیق همکاری مراکش و اسرائیل در آفریقا، فراتر از تجارت و به حوزه امنیت و کمک‌های توسعه‌ای در مقیاس بزرگ برای دولت‌های "هم‌فکر" آفریقایی شد. [۱۱]

ابعاد سیاسی این همکاری هنگامی آشکارتر می‌شود که بدانیم بخش قابل توجهی از ذخایر فسفات مراکش در صحرای غربی واقع شده است؛ منطقه‌ای که جبهه پولیساریو و نهادهای بین‌المللی آن را قلمروی تحت اشغال می‌دانند. برای دولت مراکش، صادرات این منابع به معنای به رسمیت شناخته شدن حاکمیت آن بر این قلمرو مورد مناقشه است. در گذشته، جبهه پولیساریو با استناد به وضعیت صحرای غربی به عنوان قلمروی غیر خودگردان، از دادگاه‌های اتحادیه اروپا برای به چالش کشیدن این صادرات استفاده می‌کرد و در دسامبر ۲۰۱۶، دادگاه دادگستری اتحادیه اروپا رأی داد که توافقنامه همکاری اتحادیه اروپا-مراکش در مورد صحرای غربی اعمال نمی‌شود. اما از زمان تفاهم‌نامه‌های ابراهیم و به رسمیت شناخته شدن رسمی حاکمیت مراکش بر صحرای غربی از سوی واشنگتن در دسامبر ۲۰۲۰، کشورهای اتحادیه اروپا نیز این اعتراضات را نادیده گرفته و عملاً به روند مشروعیت‌بخشی به حاکمیت مراکش بر این منطقه دامن زده‌اند. بدین ترتیب، همکاری فسفات میان مراکش و اسرائیل نه تنها یک مشارکت اقتصادی، بلکه ابزاری برای تأثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی و تغییر تدریجی موازنه در مناقشه صحرای غربی به نفع رباط است.

■ مخالفت‌های داخلی با عادی‌سازی اقتصادی

با وجود گسترش همکاری‌ها، عادی‌سازی اقتصادی با مخالفت‌های گسترده‌ای در مراکش مواجه است. بیش از ۱۲۰۰ دانشجوی دانشگاه محمد ششم در ژوئن ۲۰۲۴ طوماری امضا کردند و خواستار قطع روابط با شرکای اسرائیلی شدند که در جنایات جنگی علیه فلسطینیان دست دارند. جبهه مردمی برای حمایت از فلسطین نیز گزارش داده که از دسامبر ۲۰۲۰ تا نوامبر ۲۰۲۵، بیش از ۱۷۰۰ اقدام اعتراضی علیه عادی‌سازی در مراکش ثبت شده است. فعالانی مانند عزیز حناوی، عادی‌سازی را "از نظر اخلاقی، اجتماعی و دینی نامعتبر" خوانده و آن را زمینه‌ساز "نفوذ صهیونیسم در هسته دولت مراکش" دانسته‌اند. [۱۱]

■ فرهنگ، میراث و دانشگاهی: میدان موازی عادی‌سازی

مراکش در پنج سال گذشته کوشیده است بُعد فرهنگی عادی‌سازی روابط با اسرائیل را از طریق تأکید بر میراث غنی یهودی خود مدیریت کرده و جایگاه متمایز مراکش در جهان عرب را برجسته سازد. این راهبرد که ریشه در تاریخ منحصر به فرد این کشور دارد هم‌زمان با حفظ مواضع سنتی در قبال فلسطین، به دنبال مشروعیت‌بخشی به رابطه با اسرائیل در افکار عمومی داخلی است.

■ میراث یهودی به‌عنوان پل ارتباطی

جامعه یهودی مراکش با پیشینه‌ای چند هزار ساله، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی این کشور محسوب می‌شود. قانون اساسی ۲۰۱۱ مراکش، حقوق این جامعه را به رسمیت شناخته است. امروزه بیش از یک میلیون اسرائیلی (حدود ۱۵ درصد از جمعیت اسرائیل) ریشه مراکشی دارند که بسیاری از آنها در مناصب عالی دولتی و احزاب سیاسی اسرائیل حضور دارند. این پیوند جمعیتی، همواره یکی از استدلال‌های رباط برای توجیه روابط با اسرائیل بوده است.

در چارچوب سیاست‌های فرهنگی جدید، مراکش برنامه گسترده‌ای برای بازسازی صدها مکان تاریخی یهودی در سراسر کشور به اجرا گذاشته است. کنیسه‌ها، گورستان‌ها و محله‌های قدیمی یهودی‌نشین (ملاح‌ها) در شهرهایی مانند مراکش، فاس و رباط مرمت شده‌اند. این اقدامات نه تنها با استقبال جامعه بین‌المللی مواجه شده، بلکه به‌عنوان نمادی از "مراکش مدارا و همزیستی" در گفتمان رسمی دولت به کار گرفته می‌شود.

گنجاندن تاریخ یهودیان مراکش در کتاب‌های درسی، گام دیگری در این مسیر بوده است. این تغییر در برنامه‌های آموزشی اگرچه با هدف تقویت هویت ملی و پذیرش تنوع فرهنگی انجام شده، اما از نگاه منتقدان زمینه‌سازی فرهنگی برای پذیرش عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیز هست.

■ کرسی مطالعات مراکش در دانشگاه قدس: یک حرکت موازنه‌ساز

در سطح دانشگاهی، قابل توجه‌ترین ابتکار در این سال‌ها، تأسیس «کرسی مطالعات مراکش» در دانشگاه قدس (بیت‌المقدس) در مارس ۲۰۲۵ است. این کرسی با حمایت آژانس بیت‌مال قدس (Bayt Mal Al-Quds Agency) که زیر نظر مستقیم پادشاه مراکش فعالیت می‌کند راه‌اندازی شد و هدف آن تقویت پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان مراکش

و فلسطین از طریق پژوهش و تبادل آکادمیک عنوان شده است. این اقدام نشان‌دهنده تلاش رباط برای حفظ تعادل در سیاست خارجی خود و اثبات این نکته است که عادی‌سازی روابط با اسرائیل به معنای کنار گذاشتن حمایت از فلسطین نیست. مراکش همچنان ریاست کمیته قدس را در سازمان همکاری اسلامی بر عهده دارد و پادشاه آن در پیام‌های رسمی بار بر حمایت از آرمان فلسطین تأکید کرده است. [۱۴]

■ همکاری‌های دانشگاهی با اسرائیل

همزمان، همکاری‌های مستقیم دانشگاهی میان مراکش و اسرائیل نیز گسترش یافته است. در سال ۲۰۲۲ صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) و دانشگاه بین‌المللی رباط یک تفاهم‌نامه همکاری برای ایجاد یک مرکز عالی آموزش هوانوردی، هوش مصنوعی و نوآوری امضاء کردند. شرکت دولتی OCP (دفتر شریف فسفات) نیز از مشارکت بین دانشگاه بن‌گوریون و دانشگاه پلی‌تکنیک محمد ششم حمایت کرده است. این همکاری شامل ارائه بورس‌های تحصیلی، تبادل اساتید و همکاری در زمینه‌های امنیت غذایی، حفاظت از محیط زیست، کشاورزی هوشمند، مدیریت آب و انرژی تجدیدپذیر است. هدف از این مشارکت‌ها، تقویت ظرفیت‌های علمی مراکش در حوزه‌های راهبردی عنوان شده، اما از نگاه منتقدان، این همکاری‌ها به عادی‌سازی وجهه علمی اسرائیل در مراکش کمک می‌کند.

در اکتبر ۲۰۲۲، مؤسسه ملی مهندسی کشاورزی مراکش و مرکز تحقیقات کشاورزی ولکانی اسرائیل (Israeli Volcani Center for Agricultural Research) تفاهم‌نامه‌ای برای تقویت همکاری و تبادل تخصص در زمینه کشاورزی امضا کردند. این توافق‌ها و مشارکت‌ها، شبکه‌ای از ارتباطات علمی میان دو کشور ایجاد کرده که فراتر از روابط سیاسی عمل می‌کند. [۱۱]

جمع‌بندی سیاستی

عادی‌سازی روابط مراکش و اسرائیل در دسامبر ۲۰۲۰ را باید بیش از آنکه براساس برداشت‌های رایج، مبتنی بر همگرایی ارزشی یا «صلح گرم» اجتماعی بدانیم، محصول یک معامله سه‌جانبه راهبردی با ایالات متحده تحلیل کرد. در این معادله ژئوپلیتیکی، «به‌رسمیت‌شناسی حاکمیت مراکش بر صحرای غربی» از سوی واشنگتن در ازای «عادی‌سازی روابط با اسرائیل» مبادله شده است. این معامله، پرونده صحرای غربی را که دهه‌ها محل مناقشه منطقه‌ای و بین‌المللی بود یک‌سره به نفع رباط تغییر داد و عملاً برگ برنده راهبردی مراکش در مذاکرات بین‌المللی را تضمین کرد. از این رو، پایداری این رابطه مستقیماً به تداوم حمایت آمریکا از رباط در پرونده صحرای غربی وابسته است و هرگونه تغییر در سیاست خارجی واشنگتن می‌تواند معادله را دستخوش تحول کند. به‌بیان دیگر، این رابطه نه یک پیوند ایدئولوژیک، بلکه یک «پیمان منافع دولتی مبتنی بر موازنه تهدید» است که در چارچوب هم‌ترازی راهبردی با آمریکا تعریف شده است.

آنچه این رابطه را از سایر توافقات ابراهیم متمایز می‌کند، عمق و تنوع همکاری‌های دفاعی است که در پنج سال گذشته به هسته سخت این رابطه تبدیل شده و از خرید صرف تسلیحات فراتر رفته است. قراردادهای راهبردی نظیر سامانه پدافندی باراک MX با قابلیت رهگیری موشک‌های بالستیک، ماهواره جاسوسی افک-۱۳ مجهز به فناوری رادار دهانه ترکیبی با قابلیت تصویربرداری ۵۰ سانتی‌متری در هر شرایط آب و هوایی، و مهم‌تر از همه تأسیس

کارخانه تولید پهپاد در خاک مراکش در نوامبر ۲۰۲۵، نشان‌دهنده حرکتی به سوی «وابستگی متقابل صنعتی-دفاعی» است. اسرائیل عملاً به تأمین‌کننده اصلی فناوری‌های حساس مراکش در حوزه‌های هوافضا، سایبر و سامانه‌های شناسایی تبدیل شده و مراکش را به اولین کشور منطقه (جز خود اسرائیل) بدل ساخته که قادر به تولید این نوع مهمات پیشرفته است. این همکاری‌ها با انتقال دانش فنی، آموزش مهندسان مراکشی و ایجاد خطوط تولید مشترک، نوعی وابستگی متقابل ایجاد کرده که ترک آن را در آینده پرهزینه خواهد ساخت.

با این حال، مهمترین نقطه ضعف این ائتلاف، عدم مشروعیت آن در افکار عمومی مراکش و شکاف عمیق میان سیاست رسمی دولت و حساسیت‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه است. جنگ غزه در ۲۰۲۳-۲۰۲۵ این شکاف را به اوج رساند و باعث توقف دیدارهای سطح بالا و احتیاط دیپلماتیک دولت مراکش شد. تداوم حمایت مردمی از فلسطین و وجود شبکه فعال مدنی مخالف عادی‌سازی، ارتقای سطح روابط (تبدیل دفاتر به سفارت) را با مانع ساختاری مواجه کرده است. ثبت بیش از ۱۷۰۰ اقدام اعتراضی علیه عادی‌سازی از دسامبر ۲۰۲۰ تا نوامبر ۲۰۲۵، امضای طومار توسط هزاران دانشجوی دانشگاه محمد ششم و هشدار انجمن‌های حقوق بشر نسبت به «عادی‌سازی آموزشی»، همگی بیانگر وجود این شکاف عمیق است. این مسئله دولت مراکش را ناچار به «مدیریت احتیاط‌آمیز سیاسی» کرده است؛ رویکردی که در آن همکاری‌های نظامی-امنیتی با حداکثر سرعت پیش می‌رود اما نمادهای رسمی عادی‌سازی با حداقل نمایش همراه است.

همکاری‌های اقتصادی در حوزه‌های آب، کشاورزی و فسفات، اگرچه مکمل امنیت است، اما با دو چالش جدی روبروست. نخست، نگرانی از «جاسوسی صنعتی» و انتقال داده‌های راهبردی کشاورزی به اسرائیل؛ نمونه آن مدل شرکت‌هایی مانند نتافیم است که خدمات اولیه رایگان ارائه می‌دهند اما در نهایت جریان ثابتی از اطلاعات کشاورزی شامل نوع بذر، روش‌های تولید و الگوهای کشت را به تل‌آویو منتقل می‌کنند. سرمایه‌گذاری صندوق UM6P Ventures در استارت‌آپ‌های اسرائیلی نظیر Climate Crop و Akorn Technology، اگرچه به‌عنوان انتقال فناوری تبلیغ می‌شود، اما در عمل جریان یک‌طرفه دانش و داده را به نفع اسرائیل سازمان‌دهی می‌کند. دوم، حساسیت‌های اجتماعی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های پرمصرف آب نظیر پروژه آووکادوی شرکت مه‌ارین که سالانه ۲.۵ تا ۴ میلیون متر مکعب آب مصرف خواهد کرد، آن هم در شرایط خشکسالی‌های پی‌درپی و بحران آب که این موضوع می‌تواند به عاملی برای افزایش فشارهای اجتماعی و تبدیل عادی‌سازی اقتصادی به یک مسئله امنیت ملی تبدیل شود.

در سطح ژئوپلیتیکی، این ائتلاف پیامدهای گسترده‌ای در سه سطح داشته است:

در منطقه مغرب عربی^۲، همکاری نظامی مراکش و اسرائیل موازنه قدرت میان رباط و الجزایر را به‌طور محسوسی به نفع مراکش تغییر داده است. رباط که پیش از این در رقابت تسلیحاتی با الجزایر عمدتاً به تأمین‌کنندگان اروپایی متکی بود، اکنون با دسترسی به فناوری‌های پیشرفته اسرائیلی به‌ویژه در حوزه پدافند هوایی، پهپاد و ماهواره جهش کیفی قابل توجهی در توان دفاعی خود تجربه کرده است. این برتری فناورانه به‌ویژه در پرونده مناقشه برانگیز صحرای غربی، وزن ژئوپلیتیکی مراکش را افزایش داده و هزینه‌های نظامی-امنیتی الجزایر را بالا برده است. در واکنش به این

^۲ «مغرب عربی» به زیرمنطقه‌ای در شمال غرب آفریقا اطلاق می‌شود که معمولاً شامل کشورهای مراکش، الجزایر، تونس، لیبی و موریتانی است؛ این کشورها علاوه بر مجاورت جغرافیایی، از پیوندهای تاریخی، فرهنگی و زبانی مشترک برخوردارند و در قالب «اتحادیه مغرب عربی» نیز تعریف شده‌اند.

تحول، انتظار می‌رود الجزایر ضمن تعمیق روابط دفاعی با روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات خود و چین، به سمت همکاری عملیاتی گسترده‌تر با ایران و استفاده از ظرفیت گروه‌های نیابتی به‌ویژه در حملیت از جبهه پولیساریو حرکت کند. بدین‌سان، رقابت دیرینه رباط- الجزایر وارد مرحله جدیدی با دامنه‌ای فرامنطقه‌ای شده است.

در سطح قاره‌ای، مراکش عملاً به «دروازه ورود اسرائیل به آفریقا»، به‌ویژه منطقه راهبردی ساحل، تبدیل شده است. همکاری‌های سه‌جانبه رباط-تل‌آویو با کشورهای آفریقایی در حوزه‌های امنیتی (مبارزه با تروریسم)، کشاورزی (امنیت غذایی) و مدیریت آب، به اسرائیل امکان می‌دهد تا نفوذ خود را در قاره‌ای که پیش‌روی دیپلماتیک ایران و ترکیه در آن نگرانی‌هایی ایجاد کرده بود، بازسازی و گسترش دهد. این حضور نه از طریق استقرار مستقیم نظامی، بلکه از مسیر ارائه خدمات فناورانه و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حیاتی، نفوذی پایدار و کمرنگ‌تر ایجاد می‌کند. به‌ویژه در منطقه ساحل که با بحران امنیتی و غذایی دست‌به‌گریبان است، بسته‌های همکاری مراکش-اسرائیل می‌تواند جایگزینی برای همکاری‌های سنتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای ارائه دهد. افزون بر این، حضور شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های مستقر در صحرای مراکش به‌طور ضمنی به معنای به‌رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر این منطقه مورد مناقشه است و به روند مشروعیت‌بخشی بین‌المللی به حاکمیت رباط بر صحرای دامن می‌زند.

این تحول را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک ائتلاف ضدایرانی تلقی کرد، اما بی‌تردید متغیری مهم در معادلات امنیتی پیرامونی محسوب می‌شود. در کوتاه‌مدت، محور رباط-تل‌آویو ماهیت تهاجمی علیه ایران ندارد و مراکش همچنان در چارچوب نهادهایی مانند کمیته قدس، مواضع سنتی خود در قبال فلسطین را حفظ کرده است. با این‌حال، در بلندمدت، همگرایی اطلاعاتی-امنیتی سه‌جانبه رباط، تل‌آویو و واشنگتن به‌ویژه با طرح روایت‌هایی درباره نقش ایران در حمایت از جبهه پولیساریو، می‌تواند زمینه‌ساز هم‌ترازی محدود ضدایرانی در شمال آفریقا شود. این مسئله به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که اسرائیل با دستیابی به پایگاه‌های عملیاتی نزدیک به اقیانوس اطلس و کریدورهای ترانزیتی آفریقا، عمق استراتژیک جدیدی برای پایش و اقدام علیه منافع ایران و متحدانش در اختیار خواهد گرفت. همچنین، الگوی همکاری اسرائیل با مراکش می‌تواند به‌عنوان مدلی برای نفوذ در دیگر کشورهای آفریقایی با استفاده از ظرفیت‌های فناورانه و اقتصادی تکرار شود که این امر مستلزم رصد مستمر و طراحی راهبردهای مقابل‌گیری فعال است.

- [۱] <https://www.unav.edu/web/global-affairs/a-new-era-in-israel-morocco-relations>
- [۲] <https://www.britannica.com/place/Morocco>
- [۳] <https://www.gov.uk/government/publications/overseas-business-risk-morocco/overseas-business-risk-morocco>
- [۴] <https://orsam.org.tr/en/yayinlar/morocco-israel-ties-between-normalization-and-banalization-2/>
- [۵] https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-96-7167-0_10
- [۶] <https://www.inss.org.il/he/publication/abraham-accords-5-years/>
- [۷] <https://dimse.info/morocco/#f+10785+1+30>
- [۸] <https://www.alestiklal.net/en/article/israel-s-military-manufacturing-venture-in-morocco-a-national-security-threat-or-regional-rivalry>
- [۹] <https://dimse.info/morocco/#f+10785+1+63>
- [۱۰] <https://blogs.timesofisrael.com/the-morocco-israel-tripartite-bargain-at-five-years/>
- [۱۱] <https://www.merip.org/2025/10/israeli-agribusiness-and-moroccos-green-frontier/>
- [۱۲] <https://climatechmea.com/article/UM6P-invests-in-Israeli-Startup>
- [۱۳] <https://www.timesofisrael.com/israel-group-joins-forces-with-morocco-university-for-sahara-fish-food-project/#:~:text=Israeli%20group%20joins%20forces%20with,organic%20waste%2C%20insects%20and%20algae.>
- [۱۴] <https://northafricapost.com/84909-moroccan-studies-chair-launched-at-al-quds-university.html>